پیشخوان

«محرمانه‌های روابط ایران و سوریه» در آیینه روایت‌های ناگفته

وقتی مرد شماره ۲ خاطره‌گویی می‌کند

■ **سمانه صادقی**

اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، برگردانی از خاطرات عبدالحلیم خدام وزیر امور خارجه و معاون سابق رئیس جمهور سوریه، درباره مسائل و موضوعات مربوط به ایران است. این اثر از آن روی که حاوی برخی صورتجلسات مذاکره او و دیگر مقامات بالای سوری با مسئولان ایرانی است، اهمیت فراوان دارد. این مجموعه از سوی وحید خضاب ترجمه شده و انتشارت شهید کاظمی، آن را روانه بازار کتاب کرده است. تارنمای ناشر در بازنمایی موضوع روایت‌های خدام، به نکات پی آمده اشارت برده است: «کتاب محرمانه‌های روابط ایران و سوریه، روایتی است از عبدالحلیم خدام وزیر خارجه و معاون سابق رئیس‌جمهور سوریه که در حال حاضر به فرانسه پناهنده شده است. همچنین همراه این کتاب، صورت‌جلسات منتشر نشده دیدارهای سران سیاسی و امنیتی ایران با رؤسای جمهور و مقامات سیاسی و امنیتی منطقه نیز قرار گرفته است. عبدالحلیم خدام سیاستمدار سنی مذهب سوری، از نوجوانی به حزب بعث سوریه پیوست و به مرور به یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های این حزب تبدیل شد. او در دوران حکومت حافظ اسد، ابتدا به وزارت خارجه رسید و ۱۴ سال در این سمت خدمت کرد. سپس از سال ۱۹۸۴، به عنوان معاون رئیس‌جمهور و تبدیل به مرد شماره ۲ نظام سوریه شد. با انتخاب بشار اسد به جانشینی پدر، خدام همچنان جایگاه خود را به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور حفظ کرد، اما به مرور با نظام سیاسی کشور دچار اختلاف شد و ابتدا در

عبدالحلیم خدام وزیر سابق خارجه سوریه

ژوئن ۲۰۰۵ (خرداد ۱۳۸۴) از منصب معاونت رئیس‌جمهور کنار گذاشته شد و هفت ماه بعد در انتهای دسامبر ۲۰۰۵ (دی ۱۳۸۴) و با خروج از کشور از نظام سیاسی سوریه اعلام جدایی کرد. کتاب حاضر، نوشته چنین شخصیتی است. خدام این کتاب را نه در زمان حضورش در سوریه، بلکه چهار سال پس از جدایی از نظام نوشته است. امر دیگری که این کتاب را کاملاً بی‌نظیر می‌سازد، دسترسی‌هایی است که خدام به اسناد محرمانه کشور و صورت‌جلسه دیدارهای سیاسی و امنیتی سوری‌ها با طرف‌های خارجی (از جمله با ایرانی‌ها، عراقی‌ها، سعودی‌ها، کویتی‌ها و...) داشته است و به نظر می‌رسد بعد از جدایی از نظام و خروج از سوریه، رونوشتی از این اسناد را با خود به فرانسه برده باشد. بخش زیادی از صفحات کتاب حاضر را صورت‌جلسات دیدارهای او با طرف‌های ایرانی (یا دیگر طرف‌های منطقه‌ای) و همچنین صورت‌جلسات برخی دیدارهای مهم مسئولان دیگر سوری با مسئولان کشورهای دیگر تشکیل می‌دهد...»

مترجم اثر نیز در دیباچه خود بر آن، خاطرنشان کرده است: «از همان زمان تأسیس جمهوری اسلامی ایران، روابط بین دو کشور ایران و سوریه رو به تقویت گذاشت و دمشق و تهران موفق شدند با وجود اختلاف عقیدتی در پایه‌هایی که هر کدام از دو نظام بر آنها بنا شده بود، پلی از روابط صمیمانه و همکاری با یکدیگر برقرار کنند. از امور مهم، این بود که سران دو کشور موفق شدند، به فهم واضحی از سیاست‌های طرف مقابل و اهدافش و روش‌های برخوردش با واقعیت‌ها و حوادث دست پیدا کنند و به برآوردی از ابزارهای در دسترس و شرایط داخلی و خارجی (طرف مقابل) برسند. به این ترتیب بود که شک و شبهات رفع شد و همکاری (دو کشور) در مسائل منطقه‌ای، آن هم در مرحله‌ای بی‌نهایت پیچیده، تثبیت و تعمیق شد...»

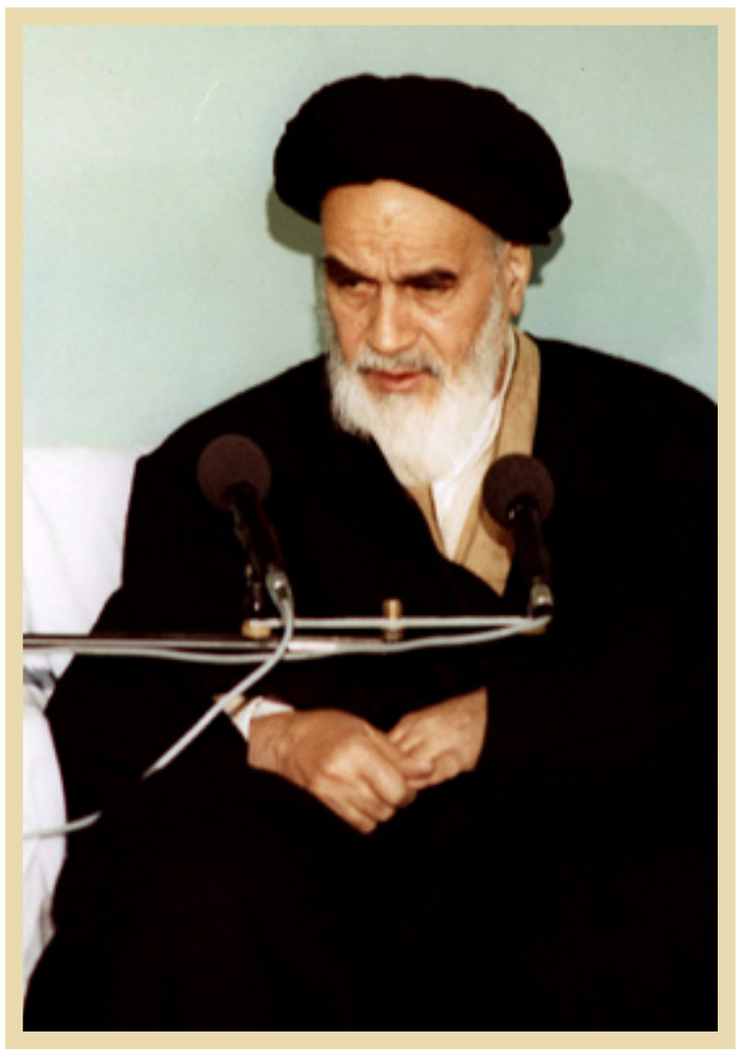

در حالی که تنها چند ساعت از آغاز حمله رسمی ارتش صدام به خاک کشورمان می‌گذشت، امام خمینی در پیامی خطاب به مردم ایران فرمود: «خوفی در کار نیست اصلاً، چیزی نیست که خوف داشته باشد. یک حرف با ملت ایران است که هم خونسردی خودشان را حفظ کنند و هم این شایعه‌سازها را جلوی‌شان را بگیرند و هیچ اعتنا به شایعه‌ها نکنند... من هر روزی که محتاج به این بشود که بسیجی بکنم، خواهم کرد و ان‌شاءالله نیاید آن روز که یک همچو امری واقع بشود..»

ماهیت مدیریت و هدایتگری امام‌خمینی، در دوران ۸ سال جنگ تحمیلی

به شایعات اعتنا نکنید خودم ملت را بسیج خواهم کرد

■ **انوشه میرمرعشی**

از زمان شروع رسمی حمله ارتش بعث صدام حسین به خاک کشورمان تا پایان دوران دفاع مقدس، حضرت امام خمینی و نیروهای انقلابی مسلمان، مدیریتی کم نظیر در اداره کشور در ابعاد مختلف از خود نشان دادند. مدیریتی که شامل بخش‌های: نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌شد. بنیانگذار جمهوری اسلامی با رهبری بی‌نظیر و نفوذ کلام عجیب خود توانست علاوه بر همراه کردن قاطبه مردم ایران، کشورمان را در بحران‌های گوناگون دوران دفاع‌مقدس مدیریت کند و از دل آنها حماسه‌سازی کند. در مقال پی آمده نگاهی داشته‌ایم به جنبه‌های مختلف این مدیریت درخشان تاریخی و همه جانبه. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ **مدیریت بحران در روزهای ابتدایی**

جنگ در شرایطی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹. ش به ایران ما تحمیل شد که کشور درگیر اختلافات سیاسی و کارشکنی‌های ابوالحسن بنی‌صدر و منافقین در پیشبرد اهداف انقلاب بود. خرابی‌های به جا مانده از دوران پهلوی، عمیق و گسترده بود و نظام جمهوری اسلامی، تازه بازسازی کشور را کلید می‌زد. به لحاظ اقتصادی نیز ضعف‌های بسیاری وجود داشت. مثلاً کمترین تولید نفت ایران در سال‌های ۱۳۵۷. ش و ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب، به دلیل اعتصاب کارکنان صنعت نفت اتفاق افتاد، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دوباره استخراج و صادرات نفت آغاز شد. البته این بار، کاملاً مستقل از کشورهایی چون انگلیس، امریکا یا هر کشور قدرتمند دیگر. با تسخیر لانه جاسوسی امریکا و شروع تحریم‌های امریکا علیه ایران، دوباره مشکلاتی برای صادرات نفت کشورمان ایجاد شد و تازه دولت داشت سعی می‌کرد که تولید نفت و در نتیجه درآمد نفتی کشور را افزایش بدهد که جنگ شروع شد.

در چنین شرایطی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در ساعت هفت بعدازظهر ۳۱ شهریور ۱۳۵۹. ش و در حالی که تنها چند ساعت از آغاز حمله رسمی ارتش بعث صدام به خاک کشورمان می‌گذشت، در پیامی خطاب به مردم ایران فرمودند: «خوفی در کار نیست اصلاً چیزی نیست که خوف داشته باشد. یک حرف با ملت ایران است که هم خونسردی خودشان را حفظ کنند و هم این شایعه‌سازها را جلوی‌شان را بگیرند و هیچ اعتنا به شایعه‌ها نکنند. من خودم تماس دارم و همه مطالب پیش من می‌آید. امروز هم آقای رئیس‌جمهور و آقای نخست‌وزیر آمدند اینجا و گزارش دادند اینجا و من هر روزی که محتاج به این بشود، بسیجی بکنم، خواهم کرد و ان‌شاءالله نیاید آن روز که یک همچو امری واقع بشود...» (صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۲۲۴)

■ **دفاعی بر مبنای عقیده**

می‌توان گفت که مدیریت نظامی امام در جنگ ایران و عراق، پنج حوزه اصلی را پوشش می‌داد: تأمین مشروعیت و مقبولیت عمومی جنگ، تأمین روحیه جنگاوری، تأمین روحیه مقاومت و استقامت، تأمین نظام سازمانی جنگ، تأمین نیروی انسانی جنگ[1]. در بخش تأمین مشروعیت، امام هم براساس اندیشه فقهی خود و هم با تأکید بر عقلانیت، دفاع از وطن را امری عقیدتی و قرآنی معرفی می‌کرد و جنگ با دشمن متجاوز را وظیفه همگان. چنانچه در تاریخ ۳ مرداد ۱۳۶۱. ش، یعنی دو ماه بعد از آزادسازی خرمشهر، در دیدار با تولیت و کارکنان آستان قدس‌رضوی(ع) فرمودند: «ما و کشور ما هیچ وقت بنا نداشتیم و نداریم که به یک کشوری هجوم کنیم، لکن بعد از آنکه به ما هجوم کردند، دفاع یک امری است که هم شرعاً واجب است بر همه و هم عقلا. ما حال دفاعی داریم و امروز هم حال دفاعی داریم. بیست و چند ماه این ارتش مزدور عراق، در ایران بود و موارد حساس ایران را در دست داشت و آن همه جنایات کرد که تاریخ اینها را باید ثبت کند و از این کشورهایی که می‌گویند ما طرفدار اسلام هستیم و جمعیت‌های حقوق بشر و سازمان کذا صحبتی نشد...» (صحیفه امام، جلد ۱۶، ص ۳۹۰)

همچنین ایشان برای تهییج رزمندگان و تشویق مردم جهت تداوم مقاومت و ایستادگی، سخنان گوناگونی در سال‌های دفاع‌مقدس ایراد کردند. چنانچه در تاریخ ۸فروردین ۱۳۶۶. ش بیان داشتند: «اینهایی که می‌گویند باید سازش کرد، اینها می‌فهمند که ما اگر سازش کنیم، له می‌شویم. اینها راضی‌اند، به اینکه سازش بشود. اینها می‌گویند مطیع باشید، هر چه ما گفتیم عمل کنید، خودتان دیگر قدغن است که فکر کنید، فکر خودتان را باید غلاف کنید. آنها می‌خواهند که آرامش حاصل بشود در دنیا. آرامش وقتی حاصل می‌شود که پیش آنها همه تابع باشند. ملت ایران باید به فکر باشد، اگر لحظه‌ای سستی کند، تا ابد له است. الان که صدام رو به جهنم دارد می‌رود و ان‌شاءالله خواهد رفت، وقت این است که شما جدیت‌تان زیادتر بشود، چه قوای مسلحه از هر صنف که هستند و چه ملت و چه این بسیج، اگر مهلت بهش بدهید - هر روزی که مهلت می‌دهید - او را تقویت می‌کنند و کار مشکل‌تر می‌شود. باید مهلت بهش نداد، سستی نباید کرد، مردم در اتصال به جبهه‌ها و جبهه‌ها در فعالیت. هر روزی که تعویق بیفتد، این قصه مشکل‌تر می‌شود و شما باید فکر کنید و نگذارید کار مشکل بشود...» (صحیفه امام، جلد ۲۰، ص ۲۷۱)

■ **تقدیر از بانوان پشتیبان جبهه‌ها**

از آنجا که امام خمینی به نقش‌آفرینی بانوان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، علمی، سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی کشور اعتقاد و باور داشتند، همیشه مشوق فعالیت‌های این قشر مسلمان و انقلابی بودند. یکی از عرصه‌های فعالیت عمومی در آن دوره، خودکفایی اقتصادی ایران اسلامی و قطع وابستگی آن به بلوک غرب و شرق بود. مسئله‌ای که از اصلی‌ترین اهداف نظام جمهوری اسلامی بوده و است. به همین دلیل تلاش مردم مسلمان، در لبیک به فرمان امام در سازندگی کشور و آبادی خرابی‌های ناشی از حضور سال‌ها استبداد و استعمار در ایران، از نقاط افتخارآمیز تاریخ انقلاب است. در آن دوره و شرایط، بانوان مسلمان نیز در سازندگی کشور نقشی اساسی داشتند. بانوانی که با تلاش بسیار، در زمینه کشاورزی، دامداری، اداره کارخانجات و کارگاه‌ها به نقشی‌آفرینی برای ساختن کشور می‌پرداختند[2]. دقیقاً بر همین اساس بود که تلاش بانوان در عرصه اقتصاد و سازندگی برای خودکفایی کشور، مورد تقدیر امام قرار گرفت. چنانچه ایشان درباره نقش بانوان در سازندگی کشور گفتند: «من دلخوشم به اینکه یک همچو تحولی در ایران، در همه قشرها شده است. الان در همین قضیه سازندگی، خوب انسان می‌بیند که از همه جا اشخاصی که هم تحصیل کرده‌اند، خصوصاً خانم‌ها - همین امروز هم در یک مصاحبه‌ای که بود و من گوش کردم، دیدم که می‌گوید ما از اول آفتاب می‌رویم سراغ کار تا غروب - این یک مسئله‌ای است که یک تحولی پیدا شده است، یعنی همه با اشتیاق و احساس اینکه باید برای کار بکنیم، مشغولند...» (صحیفه امام، جلد ۹، ص ۵۵۰؛ مورخ ۲۵ شهریور ۱۳۵۸. ش)

با شروع دفاع مقدس، بانوان مسلمان انقلابی، عرصه جدیدی را برای فعالیت پیدا کردند. عرصه پشتیبانی از جنگ و رزمندگان در بخش‌های درمانی و امدادگری و همچنین تدارکات و حمایت‌های فرهنگی و معنوی. البته در مواردی و در سال‌های نخست دفاع مقدس، حتی حضور نظامی و مستقیم بانوان هم در جبهه‌های غرب و هم در جبهه‌های جنوب اتفاق افتاد که صفحات درخشانی از تاریخ را در نظام جمهوری اسلامی رقم زد، اما به هرحال فعالیت‌های بانوان در زمینه دفاعی، آنچنان مورد توجه بنیانگذار نظام اسلامی قرار گرفت که امام خمینی در پیامی به مناسبت میلاد با سعادت حضرت زهرا (س) در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۶۱. ش، در مورد بانوان فداکار و ایثارگر فرمود: «چه افتخاری بالاتر از اینکه زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق و پس از سرکوبی آن در مقابل ابرقدرت‌ها و وابستگان آنان، در صف اول ایستادگی و مقاومت از خود نشان داده‌اند... مقاومت و فداکاری این زنان بزرگ در جنگ تحمیلی آنقدر اعجاب آمیز است که قلم و بیان از ذکر آن عاجز بلکه شرمسار است...» (صحیفه امام، جلد، ۱۶، ص ۱۹۴)

■ **جهت دهی به مدیران اقتصادی**

اداره کشور در شرایط جنگی، کاری بس دشوار بود. تأمین هزینه‌های جنگ در کنار تأمین مایحتاج ضروری و روزمره مردم به علاوه سازندگی کشور، به مدیریتی جهادی و الهی نیاز داشت که قطعاً دولت به تنهایی نمی‌توانست از پس آن برآید. تأکید همیشگی امام بر حضور مردم در عرصه‌های سازندگی، حمایت و کمک‌رسانی به جبهه‌های جنگ، دستگیری و یاری رساندن به جنگ‌زده‌ها و تلاش برای تولید و افزایش درآمد ملی، اقدامی بود که در هشت سال دفاع مقدس با رهبری امام هدایت و عملیاتی می‌شد. از سوی دیگر حمایت رهبر انقلاب از دولت و برنامه‌هایش به ویژه در قضیه اقتصادی در طول سال‌های دفاع مقدس، در بالاترین حد قرار داشت. این حمایت به آن سبب انجام می‌شد که دولت به‌رغم اختلافات روشی و سیاسی با برخی نمایندگان مجلس و جریان‌های سیاسی برای اداره اقتصادی کشور، بتواند برنامه‌های خودش را پیش ببرد.

هم از این روی بود که به هنگام مخالفت یکی از علما با گرفتن مالیات از مردم از سوی دولت و در بحبوحه جنگ، امام خمینی طی پیامی محکم جلوی اینگونه مواضع که موجب تضعیف اقتصادی دولت و کم شدن درآمدهایش برای اداره کشور بود، ایستاد. ایشان در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۶۲. ش و در دیدار اعضای کمیسیون بازرگانی دولت، درباره این موضوع خاطرنشان ساختند: «ملت باید چشمش را باز کند، این دولت را این مجلس را این جمهوری اسلامی را حفظ کنند. مردم باید حفظ کنند. بازار باید حفظ کند اینها را. آقا می‌نویسد مالیات نباید داد. آخر شما ببینید بی‌اطلاعی چقدر! آقا ما امروز روزی نمی‌دانم چند صد میلیون ما الان خرج این جنگ‌مان است. روزی چند صد میلیون خرج جنگ را با سهم امام می‌شود درستش کرد حالا؟ حالا ما می‌توانیم مردم را همه را بنشانیم اینجا و به زور سهم امام بگیریم؟ سهم امام حالا به اندازه‌ای است که همین حوزه‌ها را بگردانیم، بیشتر از این هم نیست، یک کمی اگر بیشتر باشد می‌دهند به دولت. یکدفعه آدم بگوید که نخیر، ما می‌گوییم که دولت مالیات نگیرد، سهم امام بگیرد، چه جور؟ از کجا بیاوریم سهم امام این قدر؟ ما از کجا سهم امام و سهم سادات پیدا کنیم که دولت را اداره بکنیم، مملکت را اداره بکنیم، این همه اشخاصی که ریخته‌اند به جان دولت و خرج دارند و چی دارند، اداره بکنیم؟ خوب، بی‌فکر حرف می‌زنند آقایان، یک کسی می‌رود یک چیزی به آنها می‌گوید، آنها هم باورشان می‌آید. آقایان دیگر هم همین طورند. با سلامت نفسی که دارند، باورشان می‌آید. باید آقایان فکر بکنند که هر کس آمد هر چی زد، باید از اول حمل بر فساد بکنند که این می‌خواهد یک کاری بکند. امروز که فساد زیاد است، حمل به صحت صحیح نیست که هر که آمد خیال کنیم راست می‌گوید...» (صحیفه امام، جلد ۱۸، ص ۲۵۵)

■ **مقابله امام با شبهه‌افکنان و ترسوها**

در دوران دفاع‌مقدس، جریان سلطنت طلب و منافقین در خارج از کشور و جریان نهضت آزادی در داخل، با پخش شایعه و اخبار کذب، رسماً به شبهه‌افکنی برای ایجاد اختلال در روند دفاع‌مقدس اقدام می‌کردند. به ویژه بعد از آنکه نهضت آزادی در بیانیه‌ای با عنوان «جنگ بی‌پایان»، سیاست‌های دفاعی نظام جمهوری اسلامی را زیر سؤال برد و توهین‌هایی به خانواده شهدا رو داشت، امام‌خمینی در نامه‌ای به وزیر کشور (حجت‌الاسلام سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور)، این گروه سیاسی را غیرقانونی خواند و مخالفت خود را با فعالیت‌های آنها قاطعانه اعلام کرد. امام در آن نامه و در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۶۶. ش، صریحا اذعان داشتند: «آنچه باید اجمالاً گفت آن است که پرونده این نهضت و همین طور عملکرد آن در دولت موقت اول انقلاب، شهادت می‌دهد که نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به امریکاست و در اینباره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است و حمل به صحت اگر داشته باشد، آن است که شاید امریکای جهانخوار را که هرچه بدبختی ملت مظلوم ایران و سایر ملت‌های تحت سلطه او دارند از ستمکاری اوست، بهتر از شوروی ملحد می‌دانند و این از اشتباهات آنهاست... به حسب امور بسیار دیگر، نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارند و ضرر آنها به اعتبار آنکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تأویل‌های جاهلانه، موجب فساد عظیم ممکن است بشوند، از ضرر گروهک های دیگر حتی منافقین این فرزندان عزیز مهندس بازرگان، بیشتر و بالاتر است. نهضت آزادی و افراد آن از اسلام اطلاعی ندارند و با فقه اسلامی آشنا نیستند. از این جهت، گفتارها و نوشتارهای آنها که منتشر کرده‌اند، مستلزم آن است که دستورات حضرت مولی الموالی امیرالمؤمنین را در نصب ولات و اجرای تعزیرات حکومتی که گاهی بر خلاف احکام اولیه و ثانویه اسلام است، بر خلاف اسلام دانسته و آن بزرگوار را ـ نعوذبالله ـ تخطئه، بلکه مرتد بدانند! یا آنکه همه این امور را از وحی الهی بدانند که آن هم بر خلاف ضرورت اسلام است. نتیجه آنکه نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی‌اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می‌گردند، باید با آنها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشند...» (صحیفه امام، جلد ۲۰، ص ۴۸۱ و ۴۸۲)

■ **کلام آخر**

باید توجه داشت که امام خمینی (ره) در کنار ابعاد گوناگون رهبری و هدایت کشور و جبهه‌ها در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی، هیچ‌گاه سیاست امیدآفرینی و بشارت به پیروزی‌های بزرگ در آینده در مردم را فراموش نکردند و در مقاطع مختلف بر آن تأکید داشتند. چنانچه ایشان در تاریخ ۶ مرداد ۱۳۶۶. ش، در پایان پیامی خطاب به زائران بیت الله الحرام، مردم ایران و همه مسلمین فرمودند: «خداوندا! تو می‌دانی که امت رسول تو در این مملکت، مواجه با همه توطئه‌هاست و ایادی شیطان در داخل و خارج او را آرام نمی‌گذارند و تلاش‌ها هر روز برای در تنگنا و مضیقه قرار دادن این ملت، در امور اقتصاد فزون‌تر می‌شود. خداوندا! تو می‌دانی که مردم ما مشکلات را به جان و دل خریده‌اند و از هیچ چیزی غیر تو ترس و بیم ندارند و تمام زجرها و دردها را تحمل می‌کنند، همه پیروزی‌ها را از آن تو و به عنایت تو می‌دانند، پس ما را به عنایت دوباره خود همراهی نما و دل‌های ملت ما را به نصر و پیروزی خود امیدوارتر ساز و رزمندگان جبهه ما را به مدد غیبی و جنود مخفی خود غالب و پیروزگردان و توان و صبر و استقامت ما را در تحمل سختی‌ها و مشکلات افزون نما و نعمت رضایت در شکست و پیروزی را به ما ارزانی فرما و دل مردم ما را که برای دین تو شهید و مفقود و مجروح و اسیر داده‌اند و سختی هجران عزیزان را به عشق لقا و رضای تو تحمل کرده‌اند، شادمان فرما و همه ما را در مسیر بندگی خود عاشق و درد آشنا فرما و شهیدان ما را از کوثر زلال ولایت خود و رسول اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - و ائمه هدی - علیهم صلوات الله - سیراب نما و انقلاب اسلامی ما را به انقلاب مصلح کل متصل فرما. انک ولی النعم...» (صحیفه امام خمینی(ره)، جلد ۲۰، ص ۳۴۷)

در دوران دفاع مقدس، جریان نهضت آزادی با پخش شایعه و اخبار کذب، رسماً به شبهه‌افکنی برای ایجاد اختلال در روند دفاع اقدام می‌کرد. به ویژه بعد از آنکه نهضت آزادی در بیانیه‌ای با عنوان جنگ بی‌پایان، سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی را زیر سؤال برد، امام خمینی در نامه‌ای به وزیر کشور وقت، این گروه سیاسی را غیرقانونی و مخالفت قاطعانه خود را با فعالیت‌های آنها اعلام کرد

۱۳۵۸. مهندس مهدی بازرگان و اعضای نهضت آزادی

منابع:

۱- بی‌نام، مقاله «مدیریت نظامی امام خمینی(ره) از آغاز جنگ تحمیلی تا فتح خرمشهر»، فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق، شماره شماره نهم، مورخ بهار ۱۳۹۳. ش

۲- گزارش «زن و سازندگی»، مجله سروش، شماره ۲۴۰، مورخ ۱۲ خرداد ۱۳۶۳. ش، ص ۵۸